

# نگرانی مسافران ژاپنی از یک سده پیش درباره حال و آینده ایران



۸۵

مسافران ژاپنی که در اواخر سده هیجده تا میانه سده بیستم در جای فرستاده رسمی، کاشف، جهانگرد و دانشمند به ایران سفر کردند و عمده مأموریت بیشترشان بررسی و برآورد احوال ایران در جهان پر آشوب و در میانه کشاکشهای پیرامون آن بود، به دیدن اوضاع کشور ما، خاصه در آشفتگی و خمودگی دوره حکومت قاجاریان، نگرانی شان را از حال و آینده ایران بیان داشتند. در اینجا مروری کوتاه به این بهره از نوشته‌ها و نتیجه‌گیریهای چهار تن ازین مسافران می‌کنیم:

## ایران، دستخوش مطامع انگلیس و روس

ماساهارو یوشیدا Masaharu Yoshida که چند سال پس از آغاز شدن نهضت تجدّد ژاپن در رأس هیأت سفارتی به دربار ناصرالدین شاه آمد و چندین ماه، از تابستان ۱۸۸۰ تا ژانویه ۱۸۸۱ (۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ ه. ق.) در ایران گذراند، از یادداشتهای سفر خود در ایران و عثمانی کتابی فراهم آورد که زیر عنوان «ایران - نو - تابی» Iran - no Tabi (سفر ایران) بوسیله بنگاه انتشارات هاکوبونکان Hakubunkan در توکیو چاپ شد (۱۸۹۴ م.). بهره پایانی این کتاب بیان نگرانی او نسبت به آینده ایران گرفتار آمده در رقابت قدرتهای استعماری در جهان پر تلاطم است. یوشیدا در وصف «مهمان‌نوازی کارگزار خارجه در رشت» نوشته است\*:

\* بخش نقل شده در اینجا از برگردان فارسی سفرنامه یوشیدا (ترجمه هاشم رجبزاده، نشر آستان قدس،

«علیخان کارگزار خارجه در رشت بود. او فرانسه دیده بود و فرانسه را خوب حرف می زد. سفارشنامه ای از امین الملک برای علیخان داشتیم... بار اول بود که همدیگر را می دیدیم اما چنان اُنسی به او احساس کردم که پنداری دوستی چندین ساله داریم... (در رشت) در خانه علیخان ماندیم. او چهره و رفتاری طبیعی و بی غل و غش داشت. علیخان سه سال بود که کارگزار خارجه در رشت شده بود... چهار روز در خانه اش ماندیم... علیخان می گفت: «ایران از یاری انگلیس و روس بی نیاز نیست. ما نمی توانیم با استقلال زندگی کنیم. ما ایرانیها عادتمان است که از خارج تقلید کنیم. ما فقط رویه و پیرایه جامعه مان را نو می کنیم... ما باید نظام آموزش را متحوّل سازیم، دانش و آگاهی مردم را بالا ببریم، در کار قشون سرمایه بگذاریم، و حمل و نقل دریایی را رونق بدهیم تا بتوانیم کشورمان را حفظ و تقویت کنیم و به پیش ببریم. اگر ما به تلاش برنخیزیم... ایران بدشواری خواهد توانست از مرض خمودگی و عقب ماندگی رهایی یابد...» در همه این سالها به یاد علیخان و حرفهایش می افتم. یادش همیشه در دلم زنده است.

یوشیدا زیر عنوان «نگاهی به وضع آسیای میانه و افغانستان» افزوده است:

در این جا می خواهم شرح بیشتری درباره تجاوز روسیه به آسیای میانه و تهاجم انگلیس به افغانستان بیاورم. اکنون (که سال ۲۳ میجی = ۱۸۹۱ میلادی است) از این هر دو رویداد سالها گذشته است. این هر دو تهاجم تقریباً همزمان آغاز شد و مقارن هم به پایان آمد. در نتیجه، روسیه مرو را ضمیمه خاک خود کرد و انگلیس بر هرات استیلا یافت. قطعه هایی از پیکر ایران جدا شد. ایران دیوار بلندی میان خود و روسیه یافت.

افغانستان از دیرباز پاره ای از خاک ایران بود. در این باره پیشتر در شرح تاریخی نوشته ام. افغانستان سه شهر عمده داشت که هرات و قندهار و کابل باشد. بر این شهرها کسی در مقام «امیر» حکومت می کرد. انگلیسیها امیر افغان را به کناره گیری وادار کردند. ایوبخان فرزند امیر برکنار شده با انگلیسیها در سرزمین خودش، هرات، جنگید. در نخستین نبردها، ایوبخان بر انگلیسیها پیروز شد. افغانها مردمی بلند قامت و رشید و چابک سوار بودند، و در کار بردن نیزه و سپر چیره دست. قشون انگلیس چندین بار از افغانها شکست خورد. در برابر این وضع، صدراعظم انگلیس به نام دیزرائیلی پول هنگفتی هزینه قشون و مهمات کرد. دیزرائیلی در مجلس انگلیس گفت که ما باید در آسیای میانه یک خط دفاعی بسازیم، و جز به این وسیله نخواهیم توانست هند را برای خود نگهداریم. انگلیسیها سرانجام ایوبخان را از افغانستان بیرون راندند. ایوبخان پسر عموی جوانتری داشت به نام عبدالرحمن خان. دیزرائیلی این عبدالرحمن

خان را در کابل روی کار آورد. حکومت انگلیس افغانستان را سرزمین مستقلی شناخت تا به این واسطه دست روسیه را از آن جا دور بدارد.

مرو هم هدف حمله حکمران روس به نام کافمن و فرمانده معروف روسی، اسکوبلوف Skobeloff شد. مهاجمان روس مرو را با گلوله توپ زیر و رو کردند و حدود ۸۰۰ رزمنده دلیر آن جا را کشتند. روسیه ترکستان را متصرف شد. (اکنون) روسیه در مرز گرجستان با چین درگیر بود. قشون روس در جنوب دست به حمله پیاپی زد. والی چینی به نام ساسوئدو\* قوای خود را در تین شان Ten-Shan گرد آورد و سپاهی نیرومند فراهم ساخت. من در میان سفرم از داستان جنگ اژدها (انگلیس) و ببر (روس) زیاد شنیدم. با تجربه و دریافت خود روشن می دیدم که اگر ایران به موقع و به طور قاطع به چاره اندیشی برنیاید، دور و دیر نخواهد بود که در کشمکش و رقابت قدرتها در خاور دور گرفتار شود. نگران بوده ام که بر سر ایران همان آید که از آن می ترسیدم.

این یادها و اندیشه ها هنوز در دلم زنده است.

#### ادب و معرفت بایسته است

سین یا فوروکاوا Senyā Furukāwā افسر ستاد ارتش ژاپن که همراه یوشیدا با نخستین هیأت سفارت سرزمین آفتاب به پایتخت قاجار آمد، در سفرنامه اش به نام پروشیا کیکو Perushiyā Kikō (سفر ایران) (انتشارات هوبوندو Hōbundo در توکیو، سال ۱۸۹۰) در بیان وضع شاگردان نظام مدرسه دارالفنون که از آنجا دیدن کرد، نوشته است:

«... با اینکه مدرسه نظام خوانده می شود، محتوای درسها آمیخته ای از ادبیات و علم نظام است و طب هم آموخته می شود... داوطلبان تحصیل در این مدرسه بی توجه به... وضع اجتماعی شان... فقط با آشنا بودن به زبان و خط فارسی و بی گذراندن امتحان خاصی، می توانند وارد شوند... شاگردان می توانند صبح ها هر وقت که می خواهند بیایند، و عصرها از مدرسه برگردند. حضور در درسها الزامی نیست. اگر مدرسه های ژاپن چنین (آسانگیر) باشند، چند صد هزار شاگرد به آن روی می آورند... گفتند که شاگردهای این مدرسه اکنون دویست و پنجاه - شصت نفرند. می توان تصور کرد که چرا، در مقایسه با ممالک دیگر، عده چندانانی با این سهولت پذیرش به مدرسه وارد نمی شوند... کسی گفت که در ایران عادات بد و ناپسند چنان گسترده است که حتی معلم و مدرسه از آن برکنار نیستند، و اینها هم به رشوه گرفتن مبتلایند... پسران

\* Sāsō-dō (این تلفظ ژاپنی این نام است)

خاندان سلطنت درس نمی خوانند، اما درجه سرتیپی می گیرند. بستگان خانواده های اشراف... هنوز درسشان تمام نشده از بلند پایگان دولت می شوند. ...

ایران از کهن ترین کشورها است. اما پس از قرون میانه و به دنبال جنگ و آشوب های پی در پی، مردم از عالی و دانی با دانش بیگانه شدند... اگر نخست ادبیات و معرفت میان مردم رواج یابد، اگر هم مدرسه ای نباشد هرکس می کوشد تا بر دانش خود بیفزاید. در این وضع، مردم بر این نیت و راه خواهند بود که عادات و رسوم ناپسند را از میان بردارند، و پیوسته به سوی تمدن بروند. اگر مدرسه هم تأسیس و علم آموختن تشویق شود، پیداست که کسی نخواهد بود که در پی دانش نباشد. پس تصور می کنم که بی رونقی علم و فرهنگ در این جامعه نه برای رواج رسوم ناپسند بلکه به علت اینست که فکر و معرفت مردم هنوز پیش نرفته است. بایسته است که ایران هر چه زودتر کار را بر قاعده استوار کند و مدارس مخصوص علوم، پزشکی و نظام بنیاد نهد، و شاگردان را با نظم و مراقبت فرا خواند و به تحصیل وادارد، و آنرا پس از گذراندن مدرسه در کار و مسؤلیتی که بتوانند آموخته های خود را به کار بندند بگمارد، تا در آینده نتیجه مطلوب به دست آید. این آرزویم است.» (ص ۶۷ و ۶۸)

### شاه بی شکوه

اثری هم که سیما و رفتار ناصرالدین شاه در فوراً کاوا داشته، و چهره ای که او در سفرنامه اش از شاه ایران ترسیم کرده، عبرت آموز است:

«از کاخ که برمی گشتیم، شاه را دیدم که بر اسبی که زین و یراق طلاکوب زیبا داشت سوار می شد، چند کس از ملازمان با او بودند و با آنها گفت و گو می کرد. شاه عینک آفتابی زده بود و چتری کار اروپا بالای سرش نگهداشته بودند... در سیما و قامت او حشمت شاهانه پیدا نبود، و این احساس را نکردم که او وقار و شوکتی همچون امپراتور ژاپن دارد. او حقیر و بی شکوه و هیبت شاهانه نشان می داد و بی وقار و جلال می نمود. مطمئن هستم که او زیر نفوذ رسم و راه اروپایی در آمده بود. ما ژاپنی ها چیزهای بسیار از خارج فرا می گیریم اما ژاپنی باید جوهر وجودی خود را نگاه دارد و اندیشه و روح اصیل خویش را حفظ کند. اگر ما در راه به امپراتور بریخوریم، باید سرمان را پایین بگیریم و چشم به زیر بدوزیم تا امپراتور بگذرد. ما فکر می کنیم که امپراتور باید مانند خدایان باشد، و به نهایت شایسته احترام.» (ص ۲۴۷ و ۲۴۸)

اگر این شرح را کنار وصفی که مهدقلی هدایت از سیما و منش میجی، امپراتور آن روزگار ژاپن، آورده است بگذاریم، تفاوت راه و حال رهبری ایران و ژاپن نمایان می شود. هدایت در شرح باریابی خود همراه اتابک نزد امپراتور میجی (دسامبر سال ۱۹۰۳) نوشته است:

«امپراتور در اطاق جنب تالار که قدری هم تاریک بود جلو صندلیی از چوب فوفل و ظاهراً کارِ هند ایستاده بود سر برهنه و چون مجسمه بی حرکت... مذاکرات به توسط مترجم شد لکن معلوم بود که امپراتور فرانسه می داند؛ در موقع تشکر و تقدیم تبریکات آثار تبسمی در صورت او پیدا شد. تا ما از اطاق خارج نشده بودیم سیخ سر جای خود ایستاده بود، بعد از درِ دیگر تشریف بردند. پادشاه مردی خوش اندام و خوش سیما بود، چشم و ابرو و موی سیاه داشت: پیچیدگی چشم ظاهر نبود، رنگ بشره سبزه تند بود، قیافه جاذم و جاذب داشت. گفتند هشت سال است که پادشاه در تقاص تصرف روسها پُرت ارتور را از قصر خود بیرون نرفته است و آنی از صرافت تدارک بیرون نیست.» (سفرنامه مکه...، ص ۱۰۱)

### عوامل جلوگیر پیشرفت

ياساماسا فوکوشیما Yāsāmāsā Fukushima سرهنگ ژاپنی مأمور بررسی اوضاع باختر آسیا، در سفرنامه ایران خود که بخشی از یادداشتهای سفر او در غرب آسیا است، در کتابی زیر عنوان «چوئو آجیا یوری عَرَبیائه» (Chuo Ājiya Arabiya از آسیای میانه تا عربستان) به شرح نابسامانی اوضاع ایران و بحران پرداخته و زیر عنوان «فساد ذاتی مردم و اختلال مالیه» نوشته است:

«روز ۱۲ ژوئیه (۱۸۹۶) ساعت شش بعد از ظهر به راهنمایی واگنرخان (افسر اتریشی معلّم نظام در دارالفنون) با کُنّت اتریشی (ناظم الملک) ملاقات کردم. او هفده سال است که در ایران پسر می بَرَد، و کسی است که تشکیلات نظمیّه تهران را داده و اکنون افسر ملازم دربار شاه است. او گفت که فساد ذاتی مردم، در هم ریختگی وضع مالیه، و دخالت قدرتهای بزرگ دست به دست هم داده و جلوگیر پیشرفت هر کار و طرح و تلاش است، و نمی دانم که عاقبت اوضاع چه خواهد شد، و این جای بسی افسوس است. او از وضع موجود خشمگین بود.» (ص ۷۱) فوکوشیما سپس شمه‌ای از وضع بحرانی اروپا مقارن تشکیل اتحادیه صربستان و بلغارستان و مونتینگرو، اوضاع بالکان، ضعف امپراتوری عثمانی، و کشتار آرامنه یاد کرده (ص ۷۲)، و در یادداشت روز ۲۷ ژوئیه نوشته است: «شام از سوی واگنرخان دعوت داشتم. مهمانها پزشک انگلیسی، شاه ایران و یک خانم انگلیسی بودند. حکیم شاه گفت که او چندی پیش به کاخ بیلاقی شاه که در یکی - دو فرسنگی تهران است تلگرام فرستاد که دو روز بعد رسید، اما شما در دو ساعت می توانید با بمبئی در فاصله هزار فرسنگی اینجا تماس بگیرید. تفاوت حال بسیار زیاد است، و در ایران کارها همه بر این روال می گذرد.» (ص ۸۱)

## آموزش: چاره کار شرق

آتسو اوجی آشی کاگا Atsuuji Ashikaga از پیشگامان ایرانشناسی ژاپن که نخستین بار در سال ۱۹۳۴ م. (۱۳۱۳ خ) برای شرکت در جشن هزاره میلاد فردوسی به ایران آمد و چندی برای دنبال گرفتن تحصیل در زبانهای پهلوی و فارسی در اینجا ماند، سفرنامه‌ای خواندنی ازین دیدار خود به یادگار گذاشته است. استاد فقید آشی کاگا در دو مقاله که پس از چندین دهه، در سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰، نگاشت، اشاره‌های خواندنی به روزگار ایران دارد. بخش‌هایی ازین دو نوشته در زیر می‌آید\*

«من در سالهای ۳۵ - ۱۹۳۴ برای مدت دو ماه در ایران بودم، و باز در سال ۱۹۶۵ از ایران دیدن کردم. ایران در فاصله این سی سال تغییر کرده بود، چنانکه در تهران از کوچه و گذرهای کج و پر پیچ و خم کمتر مانده بود. خیابانهای پهن و آسفالتی که کنارش درختکاری شده ساخته شده و ساختمانهای طرز اروپایی زیاد بنا شده بود. لباس مردم هم به طرز اروپایی در آمده بود...»

«ایران در این سالها دارای قانون اساسی و مجلس قانونگذاری و ارتش امروزی است. اما اینها همه رویه و پیرایه است، و ایران هنوز علم جدید را که همانا جوهر اصلی است در اختیار ندارد. علم جدید در اروپا برخاست. این مایه در قرون میانه و در دنیای مسیحی بار آمد و در معارضه با کلیسا بالنده شد. از عصر رنسانس Renaissance که علم جدید پیشرفت کرد، علم و کلیسا در جدال بوده‌اند...»

احوال ایران با این گونه تجدد اروپایی سازگار نیست. در مملکت تایلند هم که مردم دین بودایی دارند چنین است... پیداست که این وضع در ممالک شرقی عمومیت دارد. به گمانم در این کشورها جامعه باید خود را از قید و سلطه خرافات رها بکند. اما برای این جوامع دریافتن افکار نو و در پیش گرفتن شیوه آزاداندیشی کار آسانی نیست...»

در این وضع چاره چیست و شرقیان چه می‌توانند بکنند؛ به نظرم چاره کار در آموزش نوین است، که به صورتی متوازن راه را به روی علوم جدید باز کند... در این سی سال گذشته (از سال ۱۹۳۵) مدارس ایران در میان ممالک خاورمیانه و آسیا توسعه بیشتری یافته است، و امروزه در نتیجه این پیشرفت نه فقط سطح دانش بالاتر رفته، که اخلاقیات و روابط اجتماعی هم بهتر شده

\* نقل شده از مقاله آشی کاگا درباره «ایران و مدرنیزاسیون» در نخستین شماره «بُن می آجیا» Bun Mei Ajiya (مجله تحقیقات آسیایی)، سال ۱۹۷۰، و یادنامه آشی کاگا با مشخصات زیر:

Ashikaga Atsuuji, Ashikaga Atsuuji Chosakushu, Ito Gikkyo & Imoto Eichi (eds.),

Tōkai Daigaku Shuppankai, Tokyo, 1988.

است. این حقیقت را با دو سفرم به ایران و مقایسهٔ احوال و ملاحظهٔ تغییرها دریافته‌ام. دانستم که بتدریج نتایج خوبی از ترویج شیوهٔ نوین آموزش در ایران گرفته‌اند. «امید و انتظارم این است که ایرانیان نیز مانند ژاپنی‌ها الگوی مناسب خود را برای تجدد و پیشرفت پیداکنند.»

### انتشارات بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه‌الرسول، منتشر کرده است:

- بررسی و تحلیل مناجات‌های منظوم فارسی (تا قرن هشتم هجری) / دکتر مهدی ملک ثابت
  - ترجمهٔ نماز / آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) / به کوشش میرزا محمد کاظمینی
  - باغ الماس (شعر معاصر یزد) / به کوشش: علیرضا احرامیان پور (ع. ا. نوید)
  - سی بحث در اصول دین / آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) / به کوشش میرزا محمد کاظمینی
  - پیمان در قرآن / سیدمحمد موسوی زاده
  - حَجْرُ الْأَسْوَدِ / میرزا محمد کاظمینی
  - فرهنگ سازی در دوران امروز / میرزا محمد کاظمینی
  - سنت و نوسازی سیاسی / دکتر محمد عابدی اردکانی
  - مدیریت بحران (پژوهشی پیرامون ابعاد مدیریتی سومین شهید محراب حضرت الله صدوقی (ره)) / به کوشش محمد حجتی
  - تذکرهٔ میکده (همراه با تاریخ ادبیات یزد در عصر قاجار) / به کوشش و پژوهش: حسین مسرت
- یزد - خیابان امام خمینی - کوچه ابوریحان - شمارهٔ ۱۰ - تلفن: ۶۲۲۲۵۸۲ - ۰۳۵۱
- تلفاکس ۶۲۲۲۹۶۲ - ۰۳۵۱ - صندوق پستی ۸۹۷۹۵/۸۶۶